

دختران نوجوان : شهروندی در ایران و چالش جنسیت و جوانی

مهسا شکرلو و سپیده یوسف زاده



...به دلیل محدودیتهای موجود در ایران دختران با چند تغییر عمده وارد دوران نوجوانی می شوند: در جستجوی هویت خود هستند، از جامعه ای که به دلیل محدودیت های مذهبی و قانونی نیازهای آنان را برآورده نمی کنند دچار سرخوردگی هستند، به واسطه تناقض هایی که در حوزه خصوصی و فضای عمومی دارند دچار دوگانگی هستند، و بالاخره تغییرات هورمونی و جسمی را تجربه می کنند و به تبع آن دچار تغییراتی از قبیل توجه به جنس مخالف می شوند...

تعریف "نوجوانی" برای دختران در ایران

نویسندگان این مقاله هر دو در ایران متولد و بزرگ شده اند (گرچه یکی از آنها بخش بزرگی از دوران نوجوانی خود را خارج از ایران گذرانده است). بنابراین هردو نویسنده نقطه نظر شخصی نیز در باب این مقوله - نوجوانی دختران- دارند که مبتنی بر تجربه خود آنها است. با این حال ارائه تعریف مشخصی از ویژگی های نوجوانی برای دختران در ایران پیچیده است. یک نوجوان دختر تهرانی از طبقه متوسط، بازی دوران نوجوانی اش بازسازی شخصیت های سرال آمریکایی «گمشدگان» [1] است. نوجوان دختری که در منطقه ۱۲ شهرداری در جنوب تهران زندگی می کنند (منطقه ای که با فقر و مشکلات ناشی از آن معروف است) می تواند کودک کار باشد یا دختری که مسیر مدرسه تا خانه را بدون آزار جنسی (لمس یا متلک) نمی تواند طی کند. نوجوان دختر در شهرهای بزرگ ایران می تواند در بین شرکت کنندگان پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ بوده باشد. نوجوان دختر اگر از استان سیستان و بلوچستان باشد می تواند مادری باردار باشد. دختر نوجوان اگر از مناطق شهری باشد هر از گاهی در معرض تذکرات گشت ارشاد است... و دختر نوجوان از هر منطقه از کشور یا از هر تفکری که باشد می تواند دختری در حال رشد باشد که از یک طرف در گیر و دار با تغییرات جسمی و بدن خود است و از طرفی در گیر و دار با فشارها اجتماعی که در آن مقطع سنی متوجه دختران است.

فهرست ویژگی هایی که دختران نوجوان در ایران ممکن است داشته

باشند می تواند بیش از این نیز ادامه پیدا کند. اما نکته این بحث این است که گفتگو در زمینه "دختران نوجوان" در ایران به عنوان یک گروه همسان که تنها به واسطه رده سنی که به آن تعلق دارند ویژگی ها و نیازهای مشترکی دارند؛ و یک مقطع تاریخی، بستر اجتماعی و اقتصادی را به یک شکل تجربه می کنند، غیر ممکن است. نویسندگان این مقاله تلاش دارند مرور و توصیفی از وضعیت دختران نوجوان ایرانی در یک مقطع زمانی (سالهای 1365 تا 1385)، چارچوب قانونی و بستر اجتماعی مشخص ارائه دهند. این مقاله چارچوب زیر را برای نوجوانان دختر در نظر می گیرد: یک گروه اجتماعی - سیاسی و رده فرهنگی [2] که در دسته بندی سنی مشخصی هستند. این گروه دارای یک مشخصه مشترک هستند: شهروندی این گروه در کشوری اسلامی و در چهارراهی شکل می گیرد که جنسیت و جوانی دو مولفه غالب آن هستند. علیرغم تفاوتی که اعضا این گروه با هم دارند، قوانین و مقررات کشوری در جهتی اجرا می شود که این طیف گسترده و متنوع را بر اساس سن و جنسیتشان وحدت بخشد. فرایندی که نهایتاً آنها را از گروه همسان پسر جدا کرده و تابع آن می کند. مقطع زمانی این مقاله (۸۵-۱۳۶۵) شامل تغییرات اقتصادی سیاسی و اجتماعی چشمگیری است که زندگی نوجوانان دختر را نیز تحت تاثیر قرار داده است. از جمله این تغییرات می توان از جنگ ایران و عراق؛ دوران بازسازی پس از جنگ؛ و آزادسازی اقتصادی سیاسی یاد کرد. با این مقدمه نوجوان دختر در ایران در بستر بزرگتری بررسی می شود که نه تنها از آن تاثیر می پذیرد بلکه خود روی آن تاثیر می گذارد. این گروه تنها قربانی قوانین محدود کننده ای که بر آنها اعمال می شود نبوده اند بلکه با چارچوبهای قانونی به کنش و داد و ستد بوده و عاملیت خود را در فضای اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی شکل داده اند.

در این مقاله ابتدا تغییرات کلان اجتماعی اقتصادی که در دهه اول پس از انقلاب اسلامی بوجود آمد مورد بررسی قرار می گیرد و سعی بر این بوده که تاثیر این تغییرات بر نوجوانان دختر تا حد ممکن مرور شود. در بخشهای بعدی مقاله شهروندی، جنسیت و تمایلات جنسی، و بالاخره جایگاه قانونی دختران نوجوان به طور خلاصه مورد تحلیل قرار گرفته است. این مقاله ترجمه و تلخیص مقاله مفصل تری است که مولفین در آن، وضعیت دو گروه نوجوانان (بین سالهای 1365 و 1385) و زنان (سال 1385) را از هر دو بعد کمی و کیفی مورد بررسی قرار داده اند و تاثیر عوامل اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی را بر چرخه زندگی نوجوانان دیروز - زنان امروز، تحلیل کرده اند. شیوه به کار گرفته شده در نگارش این مقاله علاوه بر مصاحبه با کنشگران

حقوق کودک در ایران، مطالعه ثانویه و مرور ادبیات و تحلیل آماری (در مقاله مفصل تر) است.

چارچوب مقاله

در طراحی این مقاله چند نکته مورد توجه قرار گرفته است:

◀ فعالیتهایی که توسط سازمانهای دولتی و غیردولتی در ایران در حوزه حقوق کودک انجام می شود غالباً کودکانی از گروههای حاشیه ای و محروم را در بر می گیرد. علیرغم اینکه پیمان نامه حقوق کودک - که اصول آن راهنمای فعالین حقوق کودک در ایران نیز می باشد - حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را به حقوق سیاسی و مدنی کودک پیوند می زند؛ در ایران حقوق سیاسی و مدنی کودک به ندرت موضوع بحث و بررسی بوده است. در گفتمان پیمان نامه حقوق کودک تنها شواری نگهبان و کمیته حقوق کودک (در ملاحظات نهایی حقوق کودک در سال 2005 [3]) به حقوق سیاسی و مدنی کودک اشاره کرده و شورای نگهبان تنها دست اندرکاری است که با توجه به این حقوق (و درجهت محدود کردن آن) اقداماتی نیز انجام داده است. در نتیجه مشکلات و چالش های کودکان طبقه متوسط در جامعه ایران کمتر مورد توجه بوده است؛ به استثنای مواردی که تعارض قانونی پیش آمده و به واسطه سن پایین مسئولیت کیفری کودکان خاکی قانون شناخته می شوند. در این مقاله سعی بر این داریم که ابعاد متفاوت حقوق کودک را در نظر گرفته و بررسی کنیم.

◀ برای تعیین محدوده سنی در این مقاله علاوه بر بررسی منابع متفاوت به خصوص سازمان جهانی بهداشت، صندوق جمعیت ملل متحد، و صندوق کودکان سازمان ملل با برخی از فعالین حقوق کودک در ایران هم گفتگوهای انجام شد که خلاصه آن به شرح زیر است:

وقتی با گروههای آسیب پذیر کار کنیم به راحتی نمی توان مرز بین گذار از کودکی به نوجوانی، و نوجوانی به جوانی را تعیین کرد. در بسیار از موارد کودکان از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی جهش می کنند. به عنوان مثال در مورد کنجکاوی نسبت به مسایل جنسی، دختران ۷ یا ۸ ساله از دختران نوجوان ۱۵ ساله قابل تمیز دادن نیستند به خصوص با توجه به اینکه خیلی از این کودکان در اتاقهای کوچک شش متری با بقیه اعضای خانواده زندگی می کنند... بنابراین از روابط سکسی مطلع هستند. یا نوجوانان در سنین پایین ۱۵ یا ۱۶ سالگی ازدواج می کنند و مهلتی برای تجربه دوران نوجوانی

ندارند. یا حتی اگر ازدواج نکنند به دلیل فشار اقتصادی مجبور به کار هستند و باید به درآمد خانوار کمک کنند. از سوی دیگر خانواده های این کودکان هم وقتی کودک دختر به سن ۸ یا ۹ سالگی می رسد با او در زمینه های مختلف مثل یک فرد بالغ رفتار می کنند (اینکه چه بپوشد؛ چگونه رفتار کند و چگونه آماده زندگی و ازدواج شود).

به عقیده من به دلیل محدودیتهای موجود در ایران دختران با چند تغییر عمده وارد دوران نوجوانی می شوند؛ در جستجوی هویت خود هستند، از جامعه ای که به دلیل محدودیت های مذهبی و قانونی نیازهای آنان را برآورده نمی کنند دچار سرخوردگی هستند، به واسطه تناقض هایی که در حوزه خصوصی و فضای عمومی دارند دچار دوگانگی هستند، و بالاخره تغییرات هورمونی و جسمی را تجربه می کنند و به تبع آن دچار تغییراتی از قبیل توجه به جنس مخالف می شوند.

من فکر می کنم زمانی که شکاف ظاهری بین مادر و دختر قابل توجه می شود مقطعی است که نوجوانی شروع شده است. دخترانی که با ظاهر مدرن؛ آرایش کرده و با پوشش مد روز در کنار مادری چادری قدم می زنند دوران نوجوانی خود را شروع کرده اند.

تغییرات جمعیتی اجتماعی و سیاسی

بر اساس آخرین آمار سرشماری نفوس ایران در سال ۱۳۸۵ جمعیت ده تا نوزده ساله ۱۵ میلیون نفر بوده است یعنی حدود ۲۲ درصد کل جمعیت کشور. ۶۵ درصد این جمعیت ساکن شهر هستند و حدود ۳۵ درصد ساکن روستا. کمتر از یک درصد این جمعیت از عشایر و غیر ساکن هستند. مقایسه آمار سال ۱۳۸۵ و ۱۳۶۵ کاهشی ۵/۲ درصدی از نسبت نوجوان نسبت به سایر گروههای جمعیتی نشان می دهد اما به جمعیت شهری نوجوانان ۲۶ درصد اضافه شده است. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹ تعداد نوجوانان افزایش یافته و در سال ۷۹ نوجوانان بیشترین نسبت جمعیتی را داشته اند (بیش از ۳۰ درصد جمعیت کشور). پیش از بررسی شاخص های مربوط به نوجوانان دختر در ذیل مقدمه ای بر وضعیت اجتماعی سیاسی بین سالهای ۶۵ تا ۸۵ خواهیم داشت:

در سال ۶۵ کشور هنوز در دهه اول پس از انقلاب به سر می برد و در ششمین سال جنگ ویرانگر با عراق بود. جنگی که در سالهای آخر ۷۰ درصد از درآمد کشور صرف هزینه های ناشی از آن می شد (احسانی ۲۰۰۵). در دهه اول بعد از انقلاب نرخ باروری، جمعیت افزایش یافت و در سال ۱۳۶۵ به حداکثر رسیده و جمعیت تقریباً دو برابر شده بود

(احسانی 2005؛ اسدپور و هودفر 2000؛ آقاجانیان 1999). جنگ، افزایش جمعیت، و جابجایی جمعیت ناشی از افت وضعیت اقتصادی و جنگ منجر به افزایش جمعیت شهری کشور شد (احسانی 2009). در دهه اول پس از انقلاب همچنین تغییراتی عمده ای در نگرش نسبت به خانواده و جایگاه آن بوجود آمد که بر گفتمان جنسیتی نیز تاثیر گذاشت. در مباحثات ایدئولوژیک پس از انقلاب، جنسیت و خانواده دو مولفه غالب بوده (و هستند) و نظام سیاسی را نیز تحت الشعاع قرار داده اند. نظام اسلامی تمامی جمعیت را خانواده ای گسترده تلقی می کرد و حقوق فردی و خانوادگی زن نیز بر اساس این دیدگاه تبیین شد. در این دوران پوشش اسلامی و جداسازی جنسی در حوزه ی عمومی معرفی شد. با این روند و تغییرات زنانی که در مقطع انقلاب و سپس در جنگ هشت ساله ایران و عراق فعالانه در حوزه سیاسی وارد میدان شده بودند تغییرات چشمگیری نه تنها در نقش سیاسی بلکه به لحاظ نقش جنسیتی تجربه کردند. از یک سو مشارکت سیاسی و افزایش سطح آموزش زنان و دختران نوجوان منجر به افزایش عاملیت آنها شد. از سوی دیگر حقوق قانونی آنها (به خصوص در حوزه خانواده) محدود شد و به شیوه های مختلف مورد انکار قرار گرفت (خاتم 2009). در دو دهه پس از انقلاب کشور با جمعیت رو به افزایش شهری و فرایند مدرنیزاسیون در سطوح متفاوتی در چالش بود. سطح آموزش زنان کماکان رو به افزایش بود و در سال ۱۳۸۵ سهم دختران از آموزش عالی و در دانشگاههای کشور به ۶۲ درصد رسید (آبراهامیان 2009). رشد جمعیت که در سال ۶۵ به بالاترین حد رسیده بود سیاست گذاران کشور را به تصمیم سازی جدی واداشت و برنامه های تنظیم خانواده گسترش و موفقیت چشمگیری پیدا کرد. برای زنان به طور خاص فرایند مدرنیزاسیون در شاخص های آموزش سن ازدواج و باروری و تا حدی نیز در اشتغال تحقق پیدا کرد (موروزی و صادقی 2006؛ اسدپور و هودفر 2000؛ آقاجانیان 1999).

در اواخر دهه دوم پس از انقلاب تعداد قابل توجه آرای محمد خاتمی و پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ آغازی برای تغییر فضای اجتماعی سیاسی بود. حداقل سن حق رای در آن مقطع زمانی پایان ۱۵ سالگی بود. علاوه بر این نسبت جمعیت نوجوانان کشور نیز در آن سالها در بالاترین میزان خود بود (۳۰ درصد جمعیت کشور). به همین جهت شعارهای انتخاباتی محمد خاتمی در خصوص جامعه مدنی، مشارکت، آزادی اجتماعی، و... منجر به تشویق قشر نوجوان و مشخصاً دختران جوان (که هدف محدودیتها متفاوت و گشت های ارشاد در خیابانها بودند) به مشارکت در انتخابات شد. بخش مهمی از موفقیت محمد خاتمی در جذب آراء، به واسطه مشارکت نوجوانان، جوانان، و زنان در

انتخابات بود. پس از این پیروزی انتخاباتی به مرور ساختارها و ساز و کارهایی برای مشارکت نوجوانان ایجاد شد؛ از جمله شهردار مدرسه، مجلس دانش آموزی، شورای دانش آموزی و سازمان ملی جوانان. هدف عمده این ساختارها رسیدگی به مشکلات جوانان، کمک به رشد و شکوفایی آنها، و بهره گیری از استعدادهای آنان بود. اما زمینه محدود کردن این ساختارها نیز به تدریج پایه ریزی شد. برای مثال در فرایند انتخابات شورای دانش آموزی، دانش آموزان کاندید انتخابات مورد غربالگری قرار می گرفتند.

محدودیت فضای جدید پس از انتخابات برای زنان و دختران به ویژه در کنترل پوشش اسلامی آنها کمتر شد و دختران نوجوان و جوان با لباسهای رنگی و آرایش، چهره شهر را تا حدودی تغییر دادند. دولت شرایط شکل گیری سازمانهای غیردولتی را نیز تسهیل کرد (و خود به شکل گیری برخی از آنها کمک کرد) و در این دوران تعداد قابل توجهی از تعاونی های زنان یا تعاونی هایی که توسط زنان اداره می شد شکل گرفت. این تشکل ها را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد. تشکل هایی که هدف آنها تسهیل فعالیتهای اقتصادی زنان بود (تعاونی ها) و تشکل های فرهنگی که فعالیت عمده آنها در زمینه آموزش و پرورش خلاقیت بود. تشکل های زنان منتهی به مشارکت بیشتر زنان و دختران جوان در فضای اجتماعی و تقویت نقش شهروندی آنان نیز شد. به نظر می رسد در شهرهای کوچک تر که رفت و آمد دختران جوان دارای محدودیت بیشتری است شکل گیری تعاونی ها و تشکل های زنان زمینه همراهی دختران نوجوان را در کنار زنان خانواده تسهیل کرده و از این نقطه نظر در جابجایی اجتماعی و مشارکت دختران نوجوان نیز تاثیر داشته است.

شهروندی

قانون اساسی ایران خانواده را به عنوان واحد جامعه تلقی کرده و ساختارهای پدرسالارانه را در چارچوب خانواده تقویت می کند. بر این اساس ماهیت طبقه ای و سلسله مراتبی خانواده در چارچوب بزرگتر و در سیستم قانونی جامعه نیز پیاده شده است. لذا در چارچوب قانونی ایران، دختران نوجوان برای ایفای نقش فعالانه شهروندی - به واسطه جنسیت و سن خود - از محرومیت مضاعف برخوردارند. با این حال بهبود برخی شاخص های اجتماعی، پیچیدگی جایگاه و وضعیت زنان و دختران را در جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد. به عنوان مثال امکان جابجایی اجتماعی، شاخص های آموزش و بهداشت، و حداقل سن ازدواج در بین زنان و دختران در طی سی سال گذشته به میزان چشمگیری افزایش پیدا

کرده است. [4] در واقع دختران نوجوان در برخی از شاخص های اجتماعی مسیر پیشرفت را طی کرده اند و در برخی شاخص های قانونی به شدت محدود شده اند. این محدودیت ها به ویژه در قانون خانواده و در زمینه سن قانونی و سن بلوغ اعمال شده است.

بالا رفتن امکان جابجایی زنان، بالا رفتن نرخ آموزش آنها، و افزایش استقلال اقتصادی آنها منجر به کمرنگ تر شدن پدرسالاری در خانواده ها و تقویت مشارکت اجتماعی زنان شده است (موروزی ۲۰۱۰). زنان نقش فعالی نیز در حوزه هنر سینما و ادبیات داشته اند. دختران نوجوان به ویژه مشارکت زیادی در گسترش وبلاگ نویسی داشته اند. حوزه ای که به واسطه ناشناس و گمنام بودن ماهیتش فضای آزادتری در اختیار نوجوانان قرار داده تا از ساختارهای محدودکننده رها شده و فارغ از چارچوبها در طیف گسترده ای از مسایل اجتماعی به گفتگو بپردازند و احساسات درونی و عقاید خود را به بحث بگذارند (شکرلو ۲۰۰۴).

جنسیت و تمایلات جنسی

نوجوانی دوران بحرانی و حساسی است که نوجوان از دیدگاه جنسی مورد توجه قرار می گیرد و طیفی از ابزارهای کنترلی فرهنگی و اجتماعی به کار گرفته می شود تا تمایلات جنسی او را مهار کند. نوجوانی در ایران به عنوان مرحله ی مشخصی که از کودکی متمایز است به رسمیت شناخته نشده است. با نادیده گرفتن این دوره عبور از کودکی به بزرگسالی برای هر دو جنس دختر و پسر در «جشن تکلیف» مدارس به طور سیستمیک معرفی و نهادینه شده است. برای دختر بچه ها این جشن در کلاس سوم ابتدایی برپا می شود؛ وقتی دختر بچه ها به سن نه سالگی می رسند. این جشن آغاز یک سری آموزش های مستقیم و غیر مستقیم در زمینه جنسیت و نقش های جنسیتی به هر دو گروه پسر و دختر است. در این دوره نوجوانان به تدریج با مفاهیمی چون ناموس (مرد) و شرافت و عزت (زن) آشنا می شوند. به گفته زیبا میرحسینی (مردم شناس) تعصب مردان (ناموس) نسبت به زنان در خانواده، پیش از انقلاب نیز در فرهنگ ایران وجود داشته است. در این فرهنگ دختران آموزش می بینند که به عنوان یک زن شرافت و عزتشان در بدن آنها است. در عین حال پسرها نیز یاد می گیرند مسئول حمایت از شرافت خواهرانشان باشند. در این دیدگاه جنسیت و تمایلات جنسی زن همیشه دغدغه ای برای مردان خانواده اوست؛ پدرش، برادرانش، همسر و یا پسرش. اما پس از انقلاب اسلامی این تعصب و ناموس شکل و ماهیتی جمعی پیدا کرد و حکومت کنترل آن را در دست گرفت. با این حال همه تلاشهایی که در

این زمینه در کشور انجام شد و علیرغم جرم تلقی شدن بسیاری از این مباحث (به عنوان نمونه ارتباط با جنس مخالف - نامحرم)، محدود کردن حقوق زنان، و بالاخره اجرای نظارت های سخت و گشت های ارشاد؛ با توجه به اینکه سطح آموزش زنان (و مردان) هم به طور همگام افزایش پیدا می کرد هژمونی این ارزشها تحقق نیافت. زیبا میرحسینی معتقد است سر باز زدن نسل جوان (پسر و دختر) از پذیرش امری به نام ناموس در واقع به منزله اعتراضی است که جوانان در برابر محدودیت های اعمال شده در حوزه حقوق شخصی و خصوصی شان داشته اند. با این حال مشخص نیست چه میزان از این سر باز زدن دختران جوان از محدودیت های اخلاقی که بر آنها اعمال می شود بر نابرابری های جنسی هم تاثیر داشته است. به عنوان مثال با توجه به نظارت و محدودیت های اعمال شده ملاقات با جنس مخالف در داخل خانه ها انجام می شود و این ملاقاتها در محیط خصوصی گاهاً دختران نوجوان را در معرض خشونت های جنسی قرار داده است؛ چرا که بسیاری از این محیط های خصوصی متعلق به مردان است (موروزی؛ صادقی ۲۰۰۶). در فضای این تغییرات نگرانی های اجتماعی بخصوص در بین نسل های قدیمی تر از کمرنگ شدن معیارها و ارزشهای اخلاقی بالا رفته است. اما به دلیل فقدان فضایی عمومی برای گفتمان آزاد در زمینه گرایش های جنسی نوجوانان، اطلاعات زیادی در مورد رفتار جنسی دختران نوجوان وجود ندارد (شکرلو ۲۰۰۵). در مصاحبه هایی که برای تهیه این مقاله با یکی از روانشناسان و مشاورین کودک انجام شد وی معتقد بود در بین دختران نوجوانی که به دفتر مشاوره اش مراجعه می کنند فاصله بین آشنایی با جنس مخالف و ایجاد ارتباط سکسی بسیار کوتاه شده است. بسیاری از این دختران نوجوان هنوز آماده ارتباط سکسی نبوده اند و بنا به درخواست و اصرار دوست پسر خود به این ارتباط تن داده بودند. به این ترتیب این نوجوانان هنوز قدرت مذاکره در مورد زمان و نحوه برقراری ارتباط سکسی را ندارند. از طرفی بسیاری از این دخترانی که ارتباط سکسی با جنس مخالف دارند به «باکره بودن» اهمیت می دهند. و نتیجتاً عمل جراحی پرده بکارت نیز در بین دختران جوان افزایش یافته است (آفری ۲۰۰۹) (دوبلگ ۲۰۰۴). شیرازی (۲۰۰۸) در تحقیقی که در بین نوجوان دختر ۱۵ تا ۱۸ ساله در تهران داشته است آماری ۲۸ درصدی از دخترانی که حداقل یک بار تجربه سکس داشته اند ارائه می دهد. این در حالی است که کمتر از نیمی از آنها در مورد کاندوم آگاهی داشتند و حتی تعداد کمتری مطلع بودند که کاندوم مانع از انتقال بیماریهای مقاربتی می شود. به این ترتیب در حوزه ارتباط جنسی، نقشهای جنسیتی کماکان سنتی بوده و چالشی است برای نسل جوان (مک فرسون ۱۹۹۵؛ سیژ ۲۰۰۰).

جایگاه قانونی؛ حقوق و مسئولیت ها

با توجه به اینکه مهمترین اصل شهروندی فرایند قضایی و قانونی است که در آن موضوعات و چالش های قانونی بررسی می شوند (ژوزف 2000) این بخش به موقعیت قانونی، حقوق و مسئولیت های نوجوانان دختر در چارچوب قانونی ایران می پردازد. پیش از بررسی قوانین داخلی لازم به یادآوری است که ماده 1210 قانون مدنی سن بلوغ را برای دختر 8 سال و 9 ماه، و برای پسر 14 سال و 7 ماه تعیین می کند. این ماده تبصره ای دارد که طی آن سن قانونی برای مسائل و مسئولیت های اقتصادی 18 سال تعریف شده است و در این مورد تمایزی بین دختر و پسر قایل نیست.

قانون کیفری

با توجه به اینکه نوجوانان دختر در چارچوب قوانین ایران بالغ محسوب می شوند، نوجوانان خاطی قانون دارای مسئولیت کیفری نیز هستند. قوه قضاییه اغلب پرونده های نوجوانان را در دادگاه نوجوانان بررسی می کند و در بررسی های قضایی نوجوانانی که خاطی شناخته می شوند احکام سبک تری دریافت می کنند. به عنوان مثال در برخی موارد به جای حبس، مجازات مالی اعمال می شود. با این حال این موارد تصمیم گیری به رأی قاضی بستگی دارد و چارچوب قانونی و سیستمیک برای این نوع تصمیم گیری ها وجود ندارد (ارزنی 2010). اما در مورد مجازات مرگ (شامل قتل و یا زنا) رأی قاضی و قدرت تصمیم گیری محدودی که قاضی دارد نیز وجود نداشته و نوجوانان با در نظر گرفتن دو ویژگی سن قانونی بلوغ و قصاص مورد محاکمه قرار گرفته و احکام تعریف شده در قانون (برای بزرگسالان) را دریافت می کنند. متأسفانه در حال حاضر موارد زیادی از نوجوانان که مرتکب جنایت شده اند در نوبت اعدام به سر می برند. معمولاً این نوع اجرای حکم پس از 18 سالگی انجام می شود و تا قبل از سن 18 سالگی نوجوانان دوران حبس خود را غالباً در زندان نوجوانان می گذرانند. اما در مواردی نیز حکم اعدام قبل از 18 سالگی اجرا شده است از جمله عاطفه سحاله که در سن شانزده سالگی و به جرم رابطه جنسی و در شهر نکا (مازندران) به دار آویخته شد.

پیچیدگی دیگری که در خصوص دختران نوجوان و وضعیت حقوقی آنها وجود دارد این است که به واسطه جنسیتشان قانون به آنها اجازه تشکیل خانواده را در سنین پایین می دهد، اما در عین حال ساز و کار حمایتی برای آنها وجود ندارد. به عنوان مثال نوجوان ازدواج کرده

به عنوان همسر حق دریافت نفقه را دارد اما تا قبل از 18 سالگی امکان کنترل مالی برای او وجود ندارد.

نکات پایانی

برای بررسی وضعیت دختران نوجوان در ایران بایستی موقعیت ایران به عنوان کشوری با درآمد متوسط و شاخص‌های نسبتاً خوب اجتماعی مد نظر قرار گیرد. با در نظر گرفتن اینکه این دیدگاه برای برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌های کوتاه و بلند مدت کلیدی است پیشنهادات زیر را می‌توان مورد بحث قرار داد:

گسترش حیطه فعالیت‌های سازمان غیردولتی به مواردی که مربوط به حقوق سیاسی و مدنی نوجوانان می‌شود. این گونه فعالیت‌ها به طور کلی و در مقطع زمانی کنونی به طور خاص برای سازمان‌های غیردولتی چالش و مخاطرات بیشتری دارد. با این وجود هنوز فرصت‌هایی برای اجرای چنین برنامه‌هایی وجود دارد.

موضوعات مربوط به نوجوانان دختر مسایل جنسیتی هستند. مسایلی که دختران را در معرض محدودیت‌ها و نابرابری‌هایی قرار می‌دهند که برخی از آنها به سنین بزرگسالی نیز منتقل می‌شوند. لذا در حوزه برنامه ریزی طرح‌هایی برای نوجوانان دختر همکاری سازمان‌های غیردولتی کودکان با سازمان‌های غیردولتی که با مسایل مربوط به زنان کار می‌کنند اهمیت ویژه‌ای دارد.

مشارکت دادن نوجوانان، خانواده‌ها و سایر دست‌اندرکاران در این حوزه کلیدی است

بهره‌گیری از ساختارهایی که در حوزه کنترل سازمان‌های دولتی است. به عنوان مثال بیشتر وزارت‌خانه‌ها ساختارهای خاصی در حوزه جوانان / نوجوانان دارند (دفتر جوانان، شورای جوانان، ...). شهرداری‌ها و دفاتر زیرمجموعه آنها می‌توانند فرصت‌های خوبی برای همکاری باشند.

شاخص‌های توسعه اجتماعی سیاسی ایران به عنوان کشوری با درآمد متوسط بایستی مد نظر سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های سازمان ملل که در ایران کار می‌کنند نیز قرار گیرد.

آژانس‌های سازمان ملل که در حال حاضر در ایران فعالیت می‌کنند درک عمیق و قوی از مسایل جنسیتی ندارند و این ضعف در تمامی سطوح

(برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی،...) دیده می شود. ارتباط و همکاری نزدیک تر این سازمانها با تشکل های زنان می تواند در این زمینه کمک کننده باشد. [5]

در برنامه ریزی در خصوص نوجوانان دختر باید شرایط کنونی سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی مد نظر قرار بگیرد. با در نظر گرفتن انواع مختلف خشونت هایی که نوجوانان در زندگی روزمره شاهد آن هستند (خانه، خیابان، برنامه های تلویزیونی، در گویشی که به کار می بریم، بازی های کامپیوتری، کتابها،...) برنامه های حساس تری مورد نیاز است تا به نوجوانان مهارتها و ابزار لازم را برای عبور از این مقطع سنی حساس بدهد. آنچه نوجوانان در این فضا به آن احتیاج دارند فراتراز بقا و گذار از این دوران است. آگاهی رسانی و بالابردن مهارتها بایستی به گونه ای باشد که نوجوان خشونت را در همه اشکال و مصادیق آن ببیند، تشخیص بدهند و به آن "نه" بگویند. برنامه هایی لازم است تا کودکان و نوجوانان با حقوق خود آشنا شوند، آن را نهادینه کنند و به آن احترام بگذارند. خشونت هایی که امروز در بستر ایران شاهد آن هستیم در بسیاری از موارد توسط افرادی انجام می شود که از امکانات آموزشی و بهداشتی و... برخوردار بوده اند. اما این شاخص ها (آموزش و بهداشت) برای پرورش و شکوفایی آنها بعنوان اعضای که در صلح و آرامش در کنار سایر افراد جامعه زندگی کنند کافی نبوده است. لازم است شاخص های توسعه انسانی که در جامعه امروز ایران مد نظر قرار می گیرد فراتر از شاخص های اولیه و پایه ای باشد.

منابع:

- Afary, J. (2009). Recreating Virginity in Iran. The ▪
Guardian
- Amini, A. (2008). Juvenile Executions in the Past 18 ▪
(Years). Rooz Online(December 2008
- de Bellaigue, C. (2004). In the Rose Garden of the ▪
Martyrs: A Memoir of Iran
- Deghati, S., & Herrera, L. (2010). The children of Iran: ▪
lives in tumult. Open Democracy(February 2010
- Donahue, A. (2009). Adolescent Girls, Cornerstone of ▪
Society: Building Evidence and Policies for Inclusive
Societies
- Ehsani, k. (1994). Tilt But Don't Spill": Iran's ▪

Development and Reconstruction Dilemma. Middle East
 .(Report, 191(November-December 194

Ehsani, K. (2009). Survival Through Dispossession: ▪
 Privatization of Public Goods in the Islamic Republic.
 Middle East Report 250, Spring 2009 – the Islamic
 .Revolution at 30

Herrera, L. (2006). What's New about Youth? Development ▪
 .and Change, 37(6), 1425-1434

Hoodfar, H. (2009). Activism under the Radar: Volunteer ▪
 Women Health Workers in Iran. Middle East Report,
 .250(Spring 2009), 56-60

Hoodfar, Assadpour, (2000). The politics of population ▪
 policy in the Islamic Republic of Iran. Studies in
 .(Family Planning, 31(1

Joseph, S. (2000). Gender and Citizenship in the Middle ▪
 .East. Syracuse: Syracuse University Press

Khatam, A. (2009). The Islamic Republic's Failed Quest ▪
 for the Spotless City. Middle East Report Online
 .(MERIP), 250, Spring 2009- the Islamic Revolution at 30

Lenning, A. V., & Vanwesenbeeck, I. (2000). The Ever- ▪
 changing Female Body: Historical and Cultural
 Differences in Playmates' Body Sizes. Feminism &
 .Psychology, 10(4), 538-543

Lesko, N. (1996). Denaturalizing adolescence, the ▪
 politics of contemporary representations. Youth and
 .Society, 28(2), 139-161

Macpherson, P., & Fine, M. (1995). Hungry for an Us: ▪
 Adolescent Girls and Adult Women Negotiating Territories
 of Race, Gender, Class and Differences. Feminism &
 .Psychology, 5(2), 181-200

Moruzzi, N. C., & Sadeghi, F. (2006). Out of the Frying ▪
 Pan, into the Fire: Young Iranian Women Today. Middle
 East Report 241, Iran: Looking Ahead (Winter 2006),
 .22-28

Moruzzi, N.C. (2009) Quiet Leadership and Pressure from ▪
 Below: Women's Participation in Iranian Public Life.
 Occasional Paper Series Middle East Program, Woodrow

.Wilson International Center for Scholars
Shekarloo, M. (2004). Cyberspace as Subversive Space for Women?: Women's Websites and Weblogs in Iran, presented at Woodrow Wilson International Center for Scholars, Washington DC, October 2004
Shirazi, K. K., & Morowatisharifabad, M. A. (2008). Religiosity and Determinants of Safe Sex in Iranian Non-Medical Male Students. *Relig Health*, 48, 29-36
Sieg, E. (2000). So Tell Me What You Want, What You Really Really Want, *New Women on Old Footings*. *Feminism & Psychology*, 10(4), 498-503
Tolman, D. L. (1994). Doing Desire: Adolescent Girls' Struggles for/with Sexuality. *Gender & Society*, 8(3), 324-342

پا نوشت:

Lost [1]

[2] (هر را 2005؛ لِسکو)

[3]

http://www.unicef.org/iran/fa/concluding_observations_Farsi_-_9605_words.pdf

[4] اطلاعات کمی تری در زمینه مقاله اصلی وجود دارد.

[5] شایان ذکر است در این مقطع زمانی حساسیت فعالیت و همکاری در زمینه مسایل جنسیتی یا جامعه مدنی بیش از پیش است. اما در صورتی که ضعف هایی که به آنها اشاره شد به رسمیت شناخته شود هنوز فرصت های همکاری - هر چند کوچک - وجود دارد.

منبع : مدرسه فمینیستی